

مهدی ام من که مرا گرمی بازاری نیست

بهرتر از یوسف ام و هیچ خریداری نیست

همه گویند که در حسرت دیدار من اند

لیک در گفته ی این طائفه کرداری نیست

ای که دائم به دعای که ببینی رخ من

تا که خالص نشوی با تو مرا کاری نیست

دیدن روی تو ای دوست نه سهل است و نه سخت

لیک در بین شما محرم اسراری نیست

غیبت و تهمت و فحشا و دروغ و نیرنگ

همه جا خیمه زده هیچ جلوداری نیست

شاعران جمله به توصیف در و دیوارند

دل من درد که مداح سزاواری نیست

گر چه در جمع همه مدعیو منتظرند

لیک تنها به زبان باشد و رفتاری نیست

هر که خواهد که بیاید به در خانه ی ما

درب ها باز ولی جای ریا کاری نیست